

آیا تاکنون برایتان پیش آمده است که در فضایی آرام نشسته و به دور از هیجان و هیاهوی زندگی درباره این جهان پر جنب و جوش تفکر کرده باشید؟ تفکر درباره جهان دوردست؛ یعنی آسمان بی کران با کهکشان‌ها، منظومه‌ها، خورشید و سیارگان؛ و تفکر درباره همین جهان نزدیک، یعنی زمین با جنگل‌ها، دریاها، بیابان‌ها، جانوران، گیاهان و گل‌های زیبایش.

آیا هرگز درباره آغاز و پایان این هستی پهناور فکر کرده‌اید؟ به راستی این میلیاردها میلیارد کهکشان و ستاره و سیاره، با میلیاردها موجود متنوع از کجا آمده‌اند؟ موجودات جهان، هستی خود را وامدار چه کسی هستند؟!

1 ما براساس فطرت خود می دانیم در چگونه جهانی زندگی می کنیم توضیح دهید؟

نیازمندی جهان به خدا در پیدایش ← فطری بودن خداگرایی در انسان :

هر کدام از ما، براساس فطرت خویش، خدا را می یابیم و حضورش را درک می کنیم. ¹ به روشنی می دانیم در جهانی زندگی می کنیم که آفریننده ای حکیم آن را هدایت و پشتیبانی می کند و به موجودات مدد می رساند. با وجود این شناخت اولیه، قرآن کریم ما را به معرفت عمیق تر درباره خداوند فرا می خواند و راه های گوناگونی را برای درک وجود او و نیز شناخت صفات و افعال او به ما نشان می دهد. یکی از این راه ها ² تفکر درباره نیازمند بودن جهان، در پیدایش خود، به آفریننده است. بیان این راه به شرح زیر است:



مقدمه اول : در * اگر به خود نظر کنیم، خود را پدیده ای می یابیم که وجود و هستی مان از خودمان نیست. در اشیای پیرامون نیز که بیندیشیم، آنها را همین گونه می بینیم؛ حیوانات، گیاهان، جمادات، زمین، ستاره ها و کهکشان ها، همه را پدیده هایی می یابیم که وجودشان از خودشان نبوده و نیست.

مورد پدیده ها

2 پدیده ها (که وجودشان از خودشان نیست) برای موجود شدن نیازمند چه کسی هستند؟

*** پدیده ها، که وجودشان از خودشان نیست، برای موجود شدن نیازمند به پدیدآورنده ای هستند که خودش پدیده نباشد، بلکه وجودش از خودش باشد؛ همان طور که چیزهایی که شیرین نیستند، برای شیرین شدن نیازمند به چیزی هستند که خودش شیرین باشد.** عبدالرحمان جامی این معنا را در دو بیت چنین بیان می کند: **مفهوم شعر :** تنها وجود هستی بخش خداست

مقدمه دوم در مورد پدید آورنده

چون تواند که بود هستی بخش ← نیازمندی جهان به خدا ناید از وی صفت آب دهی ← **در پیدایش تمام مخلوقات**

نیازمندی ذاتی / ذات نیافته از هستی، بخش پدیده های جهان / خشک ابری که بود ز آب تهی به پدید آورنده

آری در آفرینش نیز، یک موجود فقط در صورتی در وجود خود نیازمند به دیگری نیست که خودش ذاتاً موجود باشد. در این صورت، چنین چیزی دیگر پدیده نیست و نیاز به پدیدآورنده نخواهد داشت؛ همواره بوده است و همواره خواهد بود.

3 ما و پدیده های جهان در پدید آمدن و هست شدن نیازمند به چه کسی هستیم؟ * با توجه به دو مقدمه فوق می توانیم نتیجه بگیریم که ما و همه پدیده های جهان، در پدید آمدن و هست شدن خود به آفریننده ای نیازمندیم که خودش پدیده نباشد و سرچشمه هستی باشد. این وجود

برتر و متعالی «خدا» نامیده می شود.

۱- «بخش» در مصرع اول به معنای بهره و سهم است و در مصرع دوم به معنای عطا کردن.

۲- جامی، هفت اورنگ، سبحة الابرار، بخش ۱۹.

تفکر در متن

توضیحات صفحه قبل را به صورت یک استدلال، به طور خلاصه بنویسید.

مقدمه اول: ما و این جهان . وجودمان . از خودمان نیست . و پدیده . هستیم . (نبوده ایم سپس پدید آمده ایم)

مقدمه دوم: موجوداتی که وجودشان از خودشان نیست . برای موجود شدن نیازمند به وجودی هستند که

نتیجه: ما و پدیده های جهان در هستی یافتن به آفریننده ای نیازمندیم . که سر چشمه هستی است این وجود برتر و متعالی خداست

پاسخ به یک پرسش

برخی می پرسند: چرا موجودات این جهان باید به آفریننده نیاز داشته باشند اما خود آفریننده به خالق نیاز نداشته باشد؟!

در پاسخ می گوئیم: اگر با دقت بیشتر استدلال بیان شده در صفحه قبل را مرور کنیم، متوجه می شویم که جایی برای طرح این سؤال باقی نمی ماند. آن استدلال نمی گوید که «هر موجودی» به آفریننده نیاز دارد. بلی، اگر کسی این را بگوید، باید نتیجه بگیرد که خدا هم به آفریننده نیازمند است. نتیجه چنین حرفی این است که هیچ چیزی وجود پیدا نکند، زیرا هر موجودی را که ما فرض کنیم، باید قبل از آن موجودی باشد تا آن را پدید آورد و این سلسله تا بی نهایت پیش خواهد رفت و هیچ گاه، هیچ موجودی پدید نخواهد آمد.

به عنوان مثال، در ساختار ساعت، ممکن است ده ها چرخ دنده وجود داشته باشد که هر یک باعث حرکت دیگری می شود. چرخ دنده اول، چرخ دنده دوم را می چرخاند و چرخ دنده دوم چرخ دنده سوم را و... اگر به حرکت این چرخ دنده ها دقت کنید متوجه خواهید شد که موتور درون ساعت علت اصلی حرکت این چرخ دنده هاست که آن موتور برای حرکت خودش، نیاز به هیچ چرخ دنده ای ندارد. حال فرض کنید تعداد این چرخ دنده ها بی نهایت است و همگی در حال چرخیدن هستند. آیا امکان دارد که زنجیره این چرخ دنده ها به هیچ موتوری که حرکت دهنده چرخ دنده ها باشد، نرسد؟

چنین چیزی غیرممکن است؛ یعنی امکان ندارد که بی نهایت چرخ دنده در حال چرخیدن باشند ولی هیچ محرک (موتور) مستقل و بی نیازی سبب ایجاد حرکت در آنها نباشد. این همان مفهوم «تسلسل علت ها» است، یعنی اینکه سلسله علت و معلول ها تا بی نهایت ادامه یابد و به علتی نخستین ختم نشود، و این مطلب از نظر عقلی محال است.

با توجه به این نکته، عقل انسان نمی‌گوید که هر موجودی به آفریننده نیاز دارد، همان‌طور که نمی‌گوید تمام چیزهای شیرین، حتی شکر و قند، نیازمند به یک شیرین‌کننده هستند، بلکه ذهن ما اگر موجودی را ببیند که قبلاً نبوده و بعد پدید آمده، در اینجا می‌گوید «پدیده» نمی‌تواند خود به خود پدید آید و حتماً آفریننده‌ای آن را پدید آورده است.

همان‌طور که ذهن ما نمی‌پذیرد که یک پدیده بدون پدیدآورنده باشد همان‌طور هم، برعکس، نمی‌پذیرد وجودی که ذاتاً موجود است نیازی به پدیدآورنده داشته باشد.

نیازمندی جهان به خدا در بقا

شما حتماً نام مسجد گوهرشاد را که در جوار حرم مطهر امام رضا علیه السلام، است، شنیده‌اید. شاید بارها آن را دیده و در آن نماز خوانده‌اید. این مسجد یکی از شاهکارهای هنر ایرانی بازمانده از دوره تیموریان است و جاذبه زیادی برای گردشگران و زائران دارد. این مسجد باشکوه همچنان باقی است، اما از معمار و بتا و کارگرانی که آن را با عشق و هنر بنا کرده‌اند خبری نیست. آیا رابطه خدا با جهان نیز مانند رابطه بتا با مسجد است؟

جواب

اگر اندکی دقت کنیم، درمی‌یابیم که یک تفاوت بنیادین میان این دو رابطه وجود دارد. مسجد گوهرشاد از مصالح ساختمانی مانند خاک و سنگ و گچ و چوب و کاشی و... تشکیل شده که هیچ کدام از آنها را بتا به وجود نیاورده است. هر یک از این مصالح نیز خواصی دارند که بتا آن را ایجاد نمی‌کند. بتا نه چسبندگی گچ را ایجاد می‌کند و نه سختی و استحکام سنگ را؛ به عبارت دیگر بتا نه اجزای ساختمان را پدید آورده و نه خواص آن اجزا را. کار بتا فقط جابه‌جا کردن مواد و چینش آنها است. اما خداوند، خالق سنگ و گچ و چوب، و خواص آنها و حتی خالق خود بتا است. بر این اساس وجود بتا و نیز وجود مصالح و خواص آنها، همه وابسته به خداست و خداوند هر لحظه اراده کند، آنها از بین می‌روند و ساختمان متلاشی می‌گردد. به همین جهت، جهان همواره و در هر «آن» به خداوند

نیازمند است و این نیاز هیچ‌گاه قطع یا کم نمی‌شود!
4 در مقام مثال رابطه خدا با جهان تا حدی شبیه کدام رابطه است؟
4 به عنوان مثال می‌توان گفت که رابطه خداوند با جهان، تا حدی شبیه رابطه مولد برق با جریان برق است؛

همین که مولد متوقف شود جریان برق هم قطع می‌گردد و لامپ‌های متصل به آن نیز خاموش می‌شوند.

5 تفاوت مسجد و ساختمان را با پدیده‌ها و موجودات در مرحله پیدایش مقایسه کنید؟
5 بنابراین، مسجد با ساخته شدن، از بتا بی‌نیاز می‌شود اما موجودات چنین نیستند و پس از پیدایش

نیز همچنان، مانند لحظه نخست خلق شدن، به خداوند نیازمند هستند. از این رو دائماً با زبان حال، به

پیشگاه الهی عرض نیاز می‌کنند.

نکته نیازمندی موجودات به خداوند منحصر به مرحله بوجود آمدن نمی‌شود بلکه در تمام مراحل هستی به او نیازمندند

مفهوم شعر موجودات پس از پیدایش همچنان به خدا نیازمندند و دائم به زبان حال به پیشگاه خدا عرض حال می کنند

انتم الفقرا الی الله و الله هو... الحمید

ما چو ناییم و نوا در ما ز توست
ما که باشیم ای تو ما را جانِ جان
ما عدم‌هاییم و هستی‌های ما
ما همه شیران ولی شیر عَلم^۱

ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست
تا که ما باشیم با تو در میان
تو وجود مطلق، فانی نما
حمله‌مان از باد باشد دم به دم^۲

تدبیر در قرآن

در آیات زیر تدبیر کنید و به سؤالات پاسخ دهید.

■ **يَا أَيُّهَا النَّاسُ** ← نیازمندی ذاتی موجودات به خدا در پیدایش
خطاب عام به مردم
اما منظور همه مخلوقات
وَاللَّهُ هُوَ الْعَنِيُّ الْحَمِيدُ^۳

شما به خدا نیازمند هستید
... و خداست که (تنها) بی‌نیاز ستوده است...
بی نیازی و استقلال ذاتی خدا

■ **يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ**
درخواست نیاز دائمی مخلوقات از خداوند

توحید در ربوبیت → **كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ**^۴
هستی بخشی دائمی خداوند به مخلوقات او همواره دست اندرکار امری است

۱- فکر می‌کنید چرا موجودات پیوسته از خداوند درخواست دارند؟
۲- نیاز انسان به خدا نیازمند هستند، موجودات برای لحظه لحظه وجود خود نیازمند به خدا هستند.
۳- چرا خداوند هر لحظه دست‌اندرکار امری است؟ زیرا موجودات در همه افعال و کارهای خود و در هر لحظه وابسته به خدا هستند و از او درخواست

۶ **آگاهی! سرچشمه بندگی!** 6 تفاوت انسان‌های "ناآگاه" و انسان‌های "آگاه" نسبت به نیاز دائمی به خدا

انسان‌های ناآگاه نسبت به نیاز دائمی انسان به خداوند، بی‌توجه‌اند؛ اما انسان‌های آگاه دائماً سایه لطف و

رحمت خدا را احساس می‌کنند و خود را نیازمند عنایات پیوسته او می‌دانند. هرچه معرفت انسان به خود

و رابطه‌اش با خدا بیشتر شود، نیاز به او را بیشتر احساس و ناتوانی و بندگی خود را بیشتر ابراز می‌کند.

۷ هر چه معرفت انسان به خدا و رابطه‌اش با خدا بیشتر شود، چه نتایج در پی خواهد داشت؟

- ۱- عَلم : پرچم؛ در اینجا مولوی انسان‌ها را به شیرهای تشبیه کرده که بر روی پرچم نقاشی شده‌اند و بر اثر وزش باد تکان می‌خورند.
- ۲- مثنوی، مولوی، دفتر اول (با اندکی تلخیص)
- ۳- سوره فاطر، آیه ۱۵
- ۴- سوره رحمن، آیه ۲۹.

علت برای همین است که پیامبر گرامی ما، با آن مقام و منزلت خود در پیشگاه الهی، عاجزانه از خداوند ^{معلول} افزایش معرفتی خواهد که برای یک لحظه هم، لطف و رحمت خاصش را از او نگیرد و او را به حال خود واگذارد. پیامبر نسبت به خداوند آگاهی ^{نکند} او نه نیازمندی به خدا

اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى تَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا؛ خدایا هیچ گاه مرا چشم به هم زدنی به خودم وامگذار.^۱

خودشناسی بیشتر ← درک بیشتر نیازمندی به خدا
بیانگر نیاز دائمی مخلوقات به خدا

نور هستی

قرآن کریم، رابطه میان خداوند و جهان هستی را با کلمه‌ای بیان می‌کند که در نظر اول برای ما سنگت‌انگیز می‌نماید. اما پس از تفکر دقیق به معنای آن پی می‌بریم؛ قرآن کریم می‌فرماید:

الرُّسُلُ نَوْرٌ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ^۲ ...

ترسیم قرآن از رابطه خدا با جهان هستی

ما با نور خورشید، نور لامپ و انواع نورهای دیگر آشنا هستیم و می‌دانیم که خداوند از نورهایی نیست که از اجسام ناشی می‌شوند، یعنی منشأ مادی دارند. ^{سوال} نور بودن خداوند به چه معناست؟ نور آن چیزی است که خودش پیدا و آشکار است و سبب پیدایی و آشکار شدن چیزهای دیگر نیز می‌شود. نورهای معمولی هم این خاصیت را دارند که خودشان آشکارند و سبب آشکار شدن اشیای دیگر هم می‌شوند.

پاسخ | خداوند نور هستی است. یعنی تمام موجودات، «وجود» خود را از او می‌گیرند، به سبب او پیدا و

آشکار شده و یا به عرصه هستی می‌گذارند و وجودشان به وجود او وابسته است. ^{معلول} به همین جهت، هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و آیه‌ای از آیات الهی محسوب می‌شود. در واقع، هر موجودی در حد خودش تجلی بخش خداوند و نشانگر حکمت، قدرت، رحمت و سایر صفات الهی است. از همین رو آنان که به دقت و اندیشه در جهان هستی می‌نگرند، در هر چیزی خدا را مشاهده می‌کنند و علم و قدرت او را می‌بینند.

دلی کز معرفت نور و صفا دید به هر چیزی که دید، اول خدا دید^۳

و به تعبیر بابا طاهر: مفهوم شعر: آنان که با دقت در جهان می‌نگرند در هر چیزی خدا را مشاهده و به صحرا بنگرم صحرا تو بینم به دریا بنگرم دریا تو بینم
علم و قدرت او را می‌بینند شان از قامت رعنا تو بینم^۴

۱- تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، ج ۲، ص ۷۴.

۲- سوره نور، آیه ۳۵.

۳- گلشن راز، شیخ محمود شبستری.

۴- بابا طاهر، دو بیت شماره ۱۶۲.

تفکر در حدیث

امام علی علیه السلام می فرماید: هر چیزی در جهان بیانگر وجود خالق و آیه ای از آیات اوست
ما رَأَيْتُ شَيْئًا إِلَّا وَرَأَيْتُ اللَّهَ قَبْلَهُ وَ بَعْدَهُ وَ مَعَهُ ۱

مقصود امام علی علیه السلام از اینکه می فرماید قبل و بعد و همراه هر چیزی خدا را دیدم چیست؟ آثار وجود خدا در همه جا وجود دارد و با رسیدن به معرفت عمیق می توان در همه پدیده های عالم وجود خدا را مشاهده کرد

8 معرفت عمیق و برتر چه معرفتی است؟

8 | اینکه انسان بتواند با هر چیزی خدا را ببیند، معرفتی عمیق و والاست که در نگاه نخست مشکل به نظر می آید، اما هدفی قابل دسترس است، به خصوص برای جوانان و نوجوانان که پاکی و صفای قلب دارند. اگر قدم پیش گذاریم و با عزم و تصمیم قوی حرکت کنیم، به یقین خداوند نیز کمک خواهد کرد و لذت چنین معرفتی را به ما خواهد چشاند.

ناتوانی در شناخت ذات و چیستی خداوند

سوال 9

اکنون ممکن است برای شما این سؤال پیش آید که آیا می توان به ذات خداوند پی برد و چیستی او را مشخص کرد؟

سوال 10

چند دسته هستند مختصراً توضیح دهید؟

در پاسخ می گوئیم: موضوعاتی که می خواهیم درباره آنها شناخت پیدا کنیم در سه دسته اند:

10 | دسته اول موضوعاتی هستند که در محدوده شناخت ما قرار می گیرند، مانند گیاهان، حیوانات، ستارگان و کهکشانها؛ حتی کهکشانهای بسیار دور هم ممکن است روزی شناسایی شوند و انسان بتواند به ماهیت و ذات آنها دست یابد. در حقیقت، ذهن ما توان و گنجایش فهم چیستی و ذات چنین موضوعاتی را دارد، زیرا همه آنها اموری محدود هستند.

دسته دوم موضوعاتی هستند که نامحدودند و ذهن ما گنجایش درک آنها را ندارد؛ زیرا لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است. در واقع، ما به دلیل محدود بودن ذهن خود نمی توانیم ذات امور نامحدود را تصور کنیم و چگونگی وجودشان را دریابیم. خداوند حقیقتی نامحدود دارد؛ در نتیجه، ذهن ما نمی تواند به حقیقت او احاطه پیدا کند و ذاتش را شناسایی نماید. بنابراین، با اینکه ما به وجود خداوند به عنوان آفریدگار جهان پی می بریم و صفات او را

۱- علم الیقین، ملا محسن فیض کاشانی، ج ۱، ص ۴۹.

می‌توانیم بشناسیم، اما نمی‌توانیم ذات و چیستی او را دریابیم؛ از همین رو پیامبر اکرم ﷺ فرموده است:

تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ^۱

ناتوانی انسان در شناخت ذات و چیستی خدا

دانش تکمیلی

مجاز ممنوع اما در ذات خدا تفکر نکنید

اگر می‌خواهید در موارد زیر اطلاعات بیشتری به دست آورید، به وبگاه گروه قرآن و معارف اسلامی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف به آدرس <http://quran-dept.talif.sch.ir> مراجعه کنید:

- ۱- آشنایی با دلایلی درباره وجود خداوند
- ۲- پاسخ به این پرسش که: آیا نظریه تکامل داروین و یا نظریه بیگ‌بنگ می‌تواند به مباحث خداشناسی لطمه‌ای بزند؟

پاسخ به یک پرسش

چگونه می‌توان خدا را دید؟

رؤیت خداوند با چشم غیرممکن است، زیرا چشم ساختار مادی و جسمانی دارد و فقط از اشیا می‌تواند عکس برداری کند؛ آن‌هم اشیا بی که طیف نوری قابل درک برای چشم را منعکس کنند؛ مثلاً چشم ما نورهای مادون قرمز و ماورای بنفش را نمی‌بیند. بنابراین، چشم حتی توانایی دیدن همه اشیا مادی را هم ندارد، چه برسد به موجودات غیرمادی (مانند فرشتگان) و از این بالاتر به وجود مقدس خداوند که هیچ شکل و تصویری و هیچ طول و عرض و ارتفاعی ندارد. بنابراین، خداوند را نه تنها در این دنیا نمی‌توان با چشم مادی دید، بلکه در آخرت نیز نمی‌توان او را با این چشم مشاهده کرد.

لا تُدْرِكُهُ الْآبْصَارُ
وَ هُوَ يُدْرِكُ الْآبْصَارَ
وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ^۲

چشم‌ها او را در نمی‌یابند
و اوست که دیدگان را در می‌یابد
و او لطیف آگاه است

فردوسی، شاعر حماسه سرا، در ابتدای شاهنامه با الهام از قرآن کریم و امامان بزرگوار، همین معانی را در قالب شعر به ما رسانده است. او می‌گوید:

به نام خداوند جان و خرد
خداوند نام و خداوند جای
کزین برتر، اندیشه برنگذرد
خداوند روزی ده رهنمای

۱- نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)، مترجم و گردآورنده: ابوالقاسم پاینده، ص ۳۸۹.

۲- سورة انعام، آیه ۱۰۳.

خداوند کیوان و گردان سپهر	فروزنده ماه و ناهید و مهر
ز نام و نشان و گمان برترست	نگارنده بر شده گوهر است ^۱
به بینندگان آفریننده را	بینی، مرنجان دو بیننده را ^۲
نیاید بدو نیز اندیشه راه	که او برتر از نام و از جایگاه ^۳
خرد گر سخن برگزیند همی	همان را گزیند که بیند همی
ستودن نداند کس او را چو هست	میان بندگی را بیایدت بست ^۴

اما نوعی از دیدن وجود دارد که نه تنها امکان پذیر است، بلکه از برترین هدف‌های زندگی است و هر کس باید برای رسیدن به چنین دیدنی تلاش کند. این مرتبه، دیدن به وسیله «قلب» و ملاقات با خداست.

دوست نزدیک‌تر از من به من است	وین‌عجب‌تر که من از وی دورم
چه کنم با که توان گفت که دوست	در کنار من و من مهجورم ^۵

اندیشه و تحقیق



با وجود شباهت‌های ظاهری رابطه خدا و جهان با رابطه ساعت‌ساز و ساعت،

تفاوت‌های این دو رابطه را بنویسید.

- شباهت‌ها
1. ساعت و جهان هر دو پدیدم‌آوردند.
 2. هر دو دارای نظم و هدف هستند.
 3. هر دو از اجزایی تشکیل شده‌اند.

- تفاوت‌ها
1. دوام و بقای ساعت به ساعت‌ساز وابسته نیست در حالی که بقای جهان به خداوند وابسته است.
 2. نظم موجود در ساعت و نظم جهان قابل مقایسه نیست، نظم جهان بسیار فراتر و پیچیده‌تر است.
 3. ساعت‌ساز هستی بخش اجزاء ساعت نیست بلکه فقط نظم دهنده است اما خداوند هم هستی بخش و هم نظم دهنده است.

۱- او از خیال و تصور ما برتر است. او پدیدآورنده و به تصویر کشاننده برتر گوهر عالم وجود است. مصور که به معنی صورت دهنده و نقاش است، یکی از نام‌های خدا در قرآن کریم است.

۲- به وسیله چشم‌ها نمی‌توانی آفریننده را ببینی. پس دو چشم خود را به زحمت نینداز.

۳- اندیشه و فهم انسان نمی‌تواند او را درک کند. او برتر از هر توصیفی است و تعالی است که ما به او بدهیم (سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ)

۴- کسی نمی‌تواند او را آن‌گونه که هست بستاید. پس باید کمر بندگی را محکم بست و او را عبادت کرد.

۵- گلستان سعدی، باب دوم در اخلاق درویشان.